



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

دوره بیست و ششم، شماره ۹۳
بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۳۴-۱۵۵

فصلنامه علمی فضای جغرافیایی

پویا حاجی ستاری^۱
داریوش ستارزاده^۲
لیدا بلیان اصل^۳

ارزیابی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱

چکیده :

فضاهای عمومی شهری به‌عنوان عرصه‌های شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت پیوندهای اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی و تداوم حیات جمعی شهرها دارند. با وجود اهمیت این فضاها، بسیاری از بافت‌های تاریخی شهرهای ایران در پی تغییرات کالبدی، دگرگونی الگوهای فعالیت و کاهش حضورپذیری اجتماعی، با کاهش ظرفیت خود در ایجاد تعاملات روزمره مواجه شده‌اند. از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری این فضاها می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای ارتقای کیفیت محیط و اجتماع پذیر شدن بافت‌های تاریخی مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بافت تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل انجام شده است.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مشاهده نظام‌مند میدانی گردآوری شد. جامعه آماری شامل کاربران فضاهای عمومی محدوده تاریخی-فرهنگی اردبیل بود که بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین الگوهای حضور، فعالیت و تعاملات اجتماعی کاربران طی چهار هفته و در زمان‌های مختلف شبانه‌روز مورد مشاهده قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و تحلیل عاملی انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح کلی اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مورد مطالعه پایین‌تر از سطح مطلوب ارزیابی شده است. در میان ابعاد بررسی‌شده، بعد ادراکی-معنایی بالاترین وضعیت را داشته که نشان‌دهنده نقش مؤثر هویت تاریخی، خاطره جمعی و حس تعلق در تداوم روابط اجتماعی است. در مقابل، ابعاد محیطی، کالبدی-فضایی و فعالیتی با ضعف‌هایی در زمینه کیفیت مبلمان شهری، فرصت‌های مکث و حضور، تنوع فعالیتی و شرایط محیطی مواجه بوده‌اند. بنابراین، ارتقای اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل نیازمند رویکردی یکپارچه در بازآفرینی شهری است که به‌طور هم‌زمان به بهبود کیفیت فضایی، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، افزایش آسایش و امنیت و حفاظت از ارزش‌های

^۱ گروه علمی شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
^۲ گروه علمی شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Sattarzadeh@iauh.ac.ir

^۳ گروه علمی معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

هویتی مکان توجه کند. نتایج این پژوهش می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری در جهت ارتقای کیفیت فضاهای عمومی در بافت‌های تاریخی فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: اجتماع‌پذیری، فضاهای عمومی شهری، بافت تاریخی_فرهنگی، اردبیل

1-مقدمه:

فضاهای عمومی شهری همواره یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی شهری به شمار آمده‌اند. این فضاها فراتر از عرصه‌های عبور و مرور، محیط‌هایی برای ملاقات، گفت‌وگو، مشارکت اجتماعی، شکل‌گیری خاطرات جمعی و تجربه زندگی شهری هستند. از این‌رو، کیفیت عملکرد فضاهای عمومی تأثیر مستقیمی بر میزان سرزندگی، انسجام اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به محیط زندگی دارد. در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش شهرنشینی، تغییر الگوهای زندگی، توسعه کالبدی شهرها و افزایش وابستگی به خودرو، بسیاری از فضاهای عمومی بخشی از کارکرد اجتماعی خود را از دست داده‌اند و نقش آن‌ها به عرصه‌هایی صرفاً عملکردی و عبوری محدود شده است. این روند موجب کاهش تعاملات اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی، افت حس تعلق به مکان و کاهش کیفیت زندگی شهری شده است (Gehl, 2011; Carmona, Tiesdell, 2021; Heath & Oc, 2021).

در دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی، گسترش توسعه کالبدی شهرها، تغییر الگوهای سکونت و تحول در شیوه‌های زندگی شهری، اهمیت فضاهای عمومی را بیش از گذشته آشکار ساخته است. فضاهای عمومی نه تنها بخشی از ساختار فیزیکی شهرها هستند، بلکه به‌عنوان بستر اصلی تعاملات اجتماعی، شکل‌گیری روابط انسانی، تبادل فرهنگی، مشارکت مدنی و تجربه زندگی جمعی شناخته می‌شوند. کیفیت این فضاها تأثیر مستقیمی بر میزان حضور شهروندان، انسجام اجتماعی، امنیت، سلامت روان، احساس تعلق و در نهایت کیفیت زندگی شهری دارد. از این‌رو، برنامه‌ریزان و طراحان شهری، فضاهای عمومی را یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهرهای معاصر می‌دانند که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق توسعه شهری پایدار ایفا می‌کند (Gehl, 2011; Carmona, 2021).

در ادبیات معاصر شهرسازی، فضاهای عمومی به‌عنوان عرصه‌هایی تعریف می‌شوند که امکان حضور آزادانه، تعامل اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و تفریحی را برای تمامی اقشار جامعه فراهم می‌کنند. این فضاها شامل خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها، بازارها و سایر عرصه‌های شهری هستند که بدون تبعیض در دسترس شهروندان قرار دارند و زمینه شکل‌گیری زندگی شهری را فراهم می‌سازند. در سال‌های اخیر، سازمان اسکان بشر ملل متحد (UN-Habitat) نیز فضاهای عمومی را ستون فقرات شهرهای پایدار معرفی کرده و بر نقش آن‌ها در ارتقای انسجام اجتماعی، سلامت، عدالت فضایی و تاب‌آوری شهری تأکید کرده است. بر این اساس، کیفیت و کارآمدی فضاهای عمومی تنها با ویژگی‌های کالبدی آن‌ها سنجیده نمی‌شود، بلکه میزان توانایی آن‌ها در ایجاد تعاملات اجتماعی، افزایش حضور شهروندان و تقویت سرمایه اجتماعی نیز از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی این فضاها به شمار می‌رود. هم‌زمان با افزایش سرعت شهرنشینی و گسترش ساخت‌وسازهای متراکم، بسیاری از شهرها با کاهش کیفیت فضاهای عمومی و تضعیف حیات اجتماعی مواجه شده‌اند. غلبه رویکردهای کالبدمحور، توسعه فضاهای خودرومحور، کاهش عرصه‌های تعامل اجتماعی و تغییر سبک زندگی شهروندان موجب شده است که بخشی از کارکرد اجتماعی فضاهای عمومی به‌تدریج کاهش یابد. پیامد این روند، کاهش حضور شهروندان در عرصه‌های عمومی، افت سرمایه اجتماعی، تضعیف احساس تعلق و کاهش سرزندگی شهری بوده است. از این‌رو، در دهه اخیر، رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری بیش از گذشته بر ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، افزایش پیاده‌مداری، تقویت تعاملات اجتماعی و بازآفرینی عرصه‌های عمومی تأکید کرده‌اند (UN-Habitat, 2022; Carmona, 2021).

در چنین شرایطی، مفهوم «اجتماع‌پذیری» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت فضاهای عمومی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات طراحی و برنامه‌ریزی شهری یافته است. اجتماع‌پذیری بیانگر ظرفیت یک فضای عمومی برای جذب افراد، ایجاد فرصت‌های تعامل، تسهیل ارتباطات اجتماعی و تقویت مشارکت شهروندان است. این مفهوم فراتر از حضور فیزیکی افراد در یک مکان بوده و به کیفیت

روابط انسانی، میزان ماندگاری در فضا، شکل‌گیری گفت‌وگوهای روزمره، ایجاد اعتماد اجتماعی و تقویت حس تعلق به مکان اشاره دارد. در واقع، هر اندازه یک فضای عمومی بتواند فرصت‌های بیشتری برای تعامل، مشاهده، گفت‌وگو، فعالیت‌های جمعی و تجربه مشترک فراهم آورد، از سطح بالاتری از اجتماع‌پذیری برخوردار خواهد بود. این نگاه، امروزه یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی در پژوهش‌های شهرسازی و طراحی شهری به شمار می‌رود (Gehl, 2011; Carmona, 2021; Jacobs, 1961).

از سوی دیگر، رویکردهای جدید حفاظت و مدیریت میراث شهری نیز نشان می‌دهند که ارزش بافت‌های تاریخی تنها به بناهای تاریخی محدود نمی‌شود، بلکه فضاهای عمومی، روابط اجتماعی، فعالیت‌های روزمره، هویت محلی و خاطره جمعی نیز بخشی از میراث شهری محسوب می‌شوند. در همین راستا، توصیه‌نامه «منظر شهری تاریخی» یونسکو، حفاظت از شهرهای تاریخی را در قالب رویکردی یکپارچه مطرح می‌کند که علاوه بر ارزش‌های کالبدی، بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و هویتی محیط شهری نیز تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، پایداری بافت‌های تاریخی زمانی محقق می‌شود که ضمن حفاظت از ارزش‌های تاریخی، زمینه تداوم حیات اجتماعی، مشارکت شهروندان و استفاده روزمره از فضاهای عمومی نیز فراهم شود.

2- بیان مساله:

فضاهای عمومی شهری یکی از مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، تجربه جمعی و بازتولید روابط میان شهروندان محسوب می‌شوند. کیفیت این فضاها تنها به ویژگی‌های کالبدی محدود نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل میان ساختار فضایی، الگوهای فعالیت، ادراک کاربران و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی است. با این حال، تحولات شهرهای معاصر، از جمله افزایش وابستگی به خودرو، کاهش کیفیت محیط‌های پیاده، محدود شدن فرصت‌های مکث و کاهش تنوع فعالیت‌های اجتماعی، موجب شده است بسیاری از فضاهای عمومی از عرصه‌های پویا و تعامل‌محور به فضاهای صرفاً عبوری تبدیل شوند؛ فضاهایی که بیشتر برای جابه‌جایی مورد استفاده قرار می‌گیرند و ظرفیت کمتری برای حضور طولانی‌مدت، ارتباط اجتماعی و شکل‌گیری تجربه جمعی دارند.

این مسئله در بافت‌های تاریخی شهری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این محدوده‌ها علاوه بر برخورداری از ارزش‌های کالبدی و معماری، حامل لایه‌های تاریخی، هویتی و خاطرات جمعی شهروندان هستند. تضعیف اجتماع‌پذیری در چنین فضاهایی می‌تواند به کاهش نقش اجتماعی آنها و گسست میان میراث تاریخی و زندگی روزمره شهروندان منجر شود. از این رو، شناخت عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بافت‌های تاریخی، یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای تدوین رویکردهای مؤثر در بازآفرینی شهری محسوب می‌شود.

بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل به عنوان یکی از هسته‌های ارزشمند تاریخی شمال غرب ایران، نمونه‌ای قابل توجه از پیوند میان ساختار فضایی، فعالیت‌های شهری و روابط اجتماعی است. این محدوده در طول تاریخ، محل استقرار فعالیت‌های اقتصادی، آیین‌های فرهنگی، تعاملات اجتماعی و زندگی روزمره شهروندان بوده است. وجود عناصر ارزشمندی همچون بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مسجد جامع و بازار تاریخی، در کنار مجموعه‌ای از خانه‌های تاریخی دوره قاجار و پهلوی، اهمیت این محدوده را در ساختار هویتی و عملکردی شهر افزایش داده است (زیاری، ۱۳۸۹: ۳). همچنین تداوم سکونت، فعالیت و وجود روابط اجتماعی ریشه‌دار در محله‌های تاریخی اردبیل، بخشی از هویت اجتماعی این شهر را شکل داده است (جهان‌زمین، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

با وجود این ظرفیت‌ها، فرآیندهای دگرگونی شهری در دهه‌های اخیر، از جمله تغییر الگوی فعالیت‌ها، کاهش سکونت‌پذیری، افزایش فشارهای ترافیکی، فرسودگی برخی عناصر کالبدی و تغییر سبک زندگی، موجب کاهش بخشی از کیفیت محیطی و عملکرد اجتماعی این بافت شده است. در نتیجه، برخی فضاهای عمومی این محدوده، علی‌رغم برخورداری از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، توان گذشته خود را در ایجاد تعاملات اجتماعی و حمایت از حضور شهروندان تا حدودی از دست داده‌اند.

مطالعات انجام شده درباره اجتماع‌پذیری فضاهای شهری نشان می‌دهد که این مفهوم تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، محیطی، فعالیتی و ادراکی-معنایی قرار دارد. با این حال، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود، این مؤلفه‌ها را به صورت منفرد بررسی کرده و کمتر به تحلیل هم‌زمان آنها در زمینه بافت‌های تاریخی شهری پرداخته‌اند. علاوه بر این، بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل تاکنون کمتر از

منظر یک چارچوب تلفیقی که ارتباط میان ویژگی‌های فضایی، فعالیت‌ی و ادراک کاربران را در شکل‌گیری اجتماع‌پذیری بررسی کند، مورد مطالعه قرار گرفته است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و وضعیت اجتماع‌پذیری و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر آن در فضاهای عمومی بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل انجام شده است. این پژوهش تلاش می‌کند با تلفیق مبانی نظری و داده‌های حاصل از مطالعات میدانی، ضمن شناسایی عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری، تفاوت میان محله‌های شش‌گانه این بافت را از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری بررسی کرده و چارچوبی تحلیلی برای ارتقای کیفیت اجتماعی فضاهای عمومی در بافت تاریخی و فرهنگی ارائه دهد. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. وضعیت ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بافت تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل چگونه است؟
۲. آیا میان محله‌های شش‌گانه بافت تاریخی شهر اردبیل از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری تفاوت معناداری وجود دارد؟

3- مبانی نظری

فضای شهری فضای شهری مجموعه‌ای است از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های اجتماعی که به مکان در زمان خاص هویت می‌بخشد. (Othmani & Ammar, 2026)

فضای شهری و حیات مدنی ایجاد محیط خوشایند رابطه مستقیمی با سازمان و مدیریت فضای شهری دارد؛ این محیط در واقع محیطی است که رفتار اجتماعی درون آن را شکل می‌دهد بنابراین نتیجه بگیریم اولین و مهمترین گام برای تحقق حیات مدنی غنی کردن جامعه یا بهبود فضای شهری است (Maket et al 2024)

سرزندگی (فضاهای شهری): در ادبیات برنامه ریزی و طراحی شهری سرزندگی یکی از مهمترین کیفیتهای شکل دهنده فضاهای شهری محسوب میشود این مفهوم به شرایطی اشاره دارد که در آن محیط شهری امکان تجربه زندگی مطلوب تعامل اجتماعی و حضور فعال شهروندان را فراهم می‌کند. در چنین فضایی، شهر تنها مجموعه‌ای از کالدهای فیزیکی نیست بلکه بستری پویا برای تجربه زندگی شهری، شکل‌گیری روابط اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی به شمار می‌آید (Wang et al 2026). سرزندگی تنها به حضور جمعیت یا فعالیت‌های اقتصادی محدود نمیشود بلکه حاصل تعامل میان ابعاد، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی شهر است (ملا حمد و همکاران ۱۴۰۴)

3-1 اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهری

فضاهای عمومی شهری از دیرباز مهم‌ترین بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، تجربه زندگی جمعی و تقویت حس تعلق به مکان بوده‌اند. کیفیت این فضاها تنها به ویژگی‌های کالبدی آنها محدود نمی‌شود، بلکه نحوه استفاده شهروندان، الگوهای رفتاری، فرصت‌های تعامل و قابلیت حضور داوطلبانه افراد نیز در شکل‌گیری کارکرد اجتماعی آنها نقش تعیین‌کننده دارد. از این منظر، اجتماع‌پذیری به توانایی یک فضای عمومی در جذب افراد، ایجاد فرصت برای تعاملات رسمی و غیررسمی، افزایش حضورپذیری و شکل‌دهی به روابط اجتماعی پایدار اشاره دارد (Gehl, 2011).

در دهه‌های اخیر، مفهوم اجتماع‌پذیری از یک ویژگی صرفاً رفتاری فراتر رفته و به یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی کیفیت فضاهای شهری تبدیل شده است. پژوهشگران معتقدند فضاهایی که امکان ملاقات، مکث، گفت‌وگو و فعالیت‌های جمعی را فراهم می‌کنند، ظرفیت بیشتری برای تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد میان شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی شهری دارند (Carmona et al., 2021). در مقابل، فضاهایی که تنها نقش حرکتی و عبوری ایفا می‌کنند، معمولاً از سطح پایین‌تری از تعاملات اجتماعی برخوردارند و به تدریج بخشی از کارکرد اجتماعی خود را از دست می‌دهند (Whyte, 1980)

بر همین اساس، اجتماع‌پذیری حاصل برهم‌کنش هم‌زمان ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌های شهری، کیفیت محیط، امنیت، دسترسی، معنا و ادراک کاربران از فضا است و نمی‌توان آن را صرفاً به یکی از این ابعاد تقلیل داد (Project for Public Spaces, 2023)

3-2 عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد اجتماع‌پذیری نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، عملکردی، اجتماعی و ادراکی است. در میان عوامل کالبدی، کیفیت طراحی فضا، خوانایی محیط، مقیاس انسانی، امکان پیاده‌روی، دسترسی مناسب، استقرار مبلمان شهری، فضای سبز، نورپردازی و وجود فضاهای مکث از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که حضور شهروندان را تسهیل می‌کنند (Carmona et al., 2021; Gehl, 2011).

در کنار ویژگی‌های کالبدی، تنوع فعالیت‌ها نیز نقش مهمی در افزایش اجتماع‌پذیری ایفا می‌کند. استقرار کاربری‌های متنوع، فعالیت‌های فرهنگی، تجاری و تفریحی موجب افزایش حضور مستمر شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز شده و فرصت تعاملات اجتماعی را گسترش می‌دهد (Jacobs, 1961) از سوی دیگر، احساس امنیت، آسایش محیطی و قابلیت نظارت طبیعی نیز از عوامل مؤثر بر تداوم حضور افراد در فضای عمومی محسوب می‌شوند (Newman, 1972).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها بیش از گذشته بر نقش عوامل ادراکی و معنایی تأکید کرده‌اند. حس تعلق به مکان، هویت تاریخی، خاطره جمعی، تجربه زیسته و ادراک مثبت کاربران از محیط می‌تواند حتی در شرایطی که کیفیت کالبدی فضا متوسط است، زمینه استمرار تعاملات اجتماعی را فراهم کند (Relph, 1976; Tuan, 1977). بنابراین، اجتماع‌پذیری حاصل هم‌افزایی میان کیفیت محیط، تنوع فعالیت‌ها و معانی اجتماعی نهفته در فضا است.

3-3 اجتماع‌پذیری در بافت‌های تاریخی

بافت‌های تاریخی صرفاً مجموعه‌ای از بناهای ارزشمند نیستند، بلکه عرصه‌ای برای تداوم روابط اجتماعی، شکل‌گیری خاطره جمعی و انتقال هویت فرهنگی محسوب می‌شوند. بسیاری از فضاهای عمومی این بافت‌ها در طول زمان محل برگزاری آیین‌ها، فعالیت‌های اقتصادی، تعاملات روزمره و حضور مستمر شهروندان بوده‌اند؛ از این رو، کیفیت اجتماعی آنها ارتباطی مستقیم با حفظ حیات تاریخی شهر دارد (UNESCO, 2011).

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ارتقای اجتماع‌پذیری در بافت‌های تاریخی تنها از طریق حفاظت کالبدی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم تقویت هم‌زمان فعالیت‌های اجتماعی، کیفیت محیط، امنیت، سرزندگی، مدیریت فضا و حفظ ارزش‌های هویتی است. از این رو، رویکردهای نوین بازآفرینی شهری بر بازگرداندن حیات اجتماعی به این فضاها در کنار حفاظت از میراث تاریخی تأکید دارند (UN-Habitat, 2020).

3-4 جمع‌بندی مبانی نظری و چارچوب پژوهش

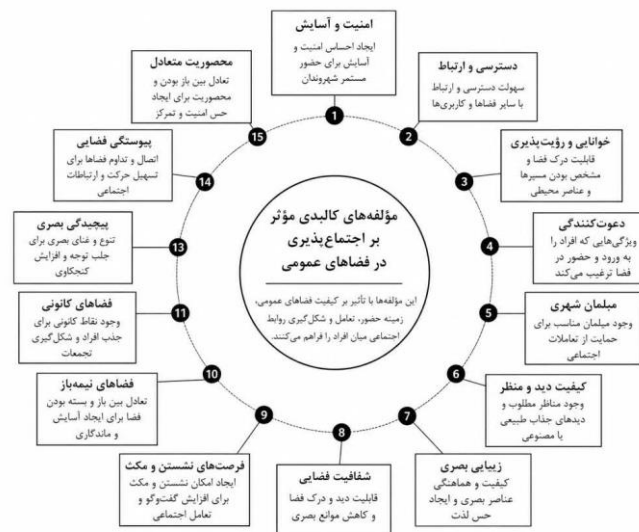
مرور ادبیات نشان می‌دهد که اجتماع‌پذیری مفهومی چندبعدی است که از تعامل عوامل کالبدی، محیطی، فعالیت‌ی و ادراکی شکل می‌گیرد. اگرچه هر یک از این ابعاد در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بخش قابل توجهی از مطالعات تنها بر یکی از آنها تمرکز داشته و کمتر پژوهشی این مؤلفه‌ها را به صورت یکپارچه در بافت‌های تاریخی ایران ارزیابی کرده است.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مطرح در ادبیات نظری، اجتماع‌پذیری را در چهار بعد اصلی شامل کالبدی-فضایی، محیطی، فعالیت‌ی و ادراکی-معنایی بررسی می‌کند. انتخاب این ابعاد مبتنی بر مرور نظام‌مند منابع نظری و تجربی بوده و امکان

تحلیل هم‌زمان عوامل مؤثر بر کیفیت اجتماعی فضاهای عمومی را فراهم می‌سازد. این چارچوب همچنین مبنای طراحی پرسشنامه، تحلیل داده‌ها و تفسیر یافته‌های پژوهش قرار گرفته است.

3-5 مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر اجتماع‌پذیری

ابعاد کالبدی نخستین عامل مؤثر بر جذب شهروندان به فضاهای عمومی محسوب می‌شوند. لینچ (1960) خوانایی محیط، وضوح مسیرها و قابلیت ادراک فضا را از مهم‌ترین عوامل افزایش احساس امنیت و استفاده مؤثر از فضاهای شهری معرفی می‌کند. از دیدگاه جیکوبز (1961)، امنیت، نظارت طبیعی و حضور مستمر شهروندان بستر شکل‌گیری روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد. گل (2011) نیز معتقد است کیفیت مبلمان شهری، فرصت‌های نشستن، مقیاس انسانی، دعوت‌کنندگی و آسایش محیطی باعث افزایش حضور مردم و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌شود. کارمونا و همکاران (2021) نیز دسترسی مناسب، شفافیت فضایی، زیبایی بصری، پیوستگی فضایی، محصوریت متعادل و کیفیت منظر شهری را از مهم‌ترین عوامل ارتقای اجتماع‌پذیری معرفی کرده‌اند. در پژوهش‌های داخلی نیز پاکزاد (1398)، حبیبی (1395) و سعیدنیا (1393) بر نقش امنیت، دسترسی، کیفیت محیط، خوانایی، آسایش اقلیمی و طراحی انسان‌محور در افزایش تعاملات اجتماعی تأکید کرده‌اند. بر این اساس، مهم‌ترین مؤلفه‌های کالبدی عبارت‌اند از:



دیاگرام 1-1: مؤلفه‌های کالبدی اجتماع‌پذیری

3-6 چارچوب نظری پژوهش و استخراج مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری

با مرور ادبیات نظری و پژوهش‌های تجربی، می‌توان دریافت که اجتماع‌پذیری پدیده‌ای چندبعدی است و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، عملکردی، ادراکی و اجتماعی شکل می‌گیرد. هر یک از این ابعاد به‌تنهایی بخشی از کیفیت تعاملات اجتماعی را تبیین می‌کنند، اما تحقق اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی مستلزم تعامل هم‌زمان میان آن‌هاست. از این‌رو، مطالعات اخیر به جای تمرکز بر یک بعد خاص، بر رویکردهای تلفیقی تأکید دارند که بتوانند ارتباط میان ویژگی‌های فضایی، کیفیت محیط، الگوهای فعالیت و ادراک کاربران را به‌صورت یکپارچه تحلیل کنند (Carmona et al., 2021; Mehta, 2020).

در این چارچوب، بعد کالبدی-فضایی به ویژگی‌هایی همچون دسترسی، پیوستگی شبکه حرکت، مقیاس انسانی، کیفیت مبلمان شهری، فضای سبز، نورپردازی، خوانایی محیط و امکان مکث و استقرار اشاره دارد. این ویژگی‌ها شرایط اولیه حضور شهروندان را فراهم می‌کنند، اما به‌تنهایی تضمین‌کننده شکل‌گیری تعاملات اجتماعی نیستند (Gehl, 2011; Mehta, 2014).

بعد فعالیتی بر تنوع کاربری‌ها، اختلاط عملکردها، رویدادهای اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی، حضور گروه‌های مختلف اجتماعی و تداوم فعالیت در ساعات متفاوت شبانه‌روز تأکید دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند هرچه تنوع فعالیت‌ها بیشتر باشد، احتمال حضور داوطلبانه شهروندان، افزایش زمان توقف و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود (Jacobs, 1961; Whyte, 1980) در مقابل، بعد ادراکی-معنایی به برداشت ذهنی کاربران از فضا مربوط می‌شود و مؤلفه‌هایی نظیر احساس تعلق، هویت مکان، امنیت ادراک شده، خاطره جمعی، جذابیت بصری و آسایش روانی را دربرمی‌گیرد. این بعد اگرچه کمتر از ویژگی‌های کالبدی قابل مشاهده است، اما نقش تعیین‌کننده‌ای در تمایل افراد به حضور مجدد و تداوم استفاده از فضاهای عمومی دارد (Relph, 1976; Montgomery, 1998; PPS, 2018).

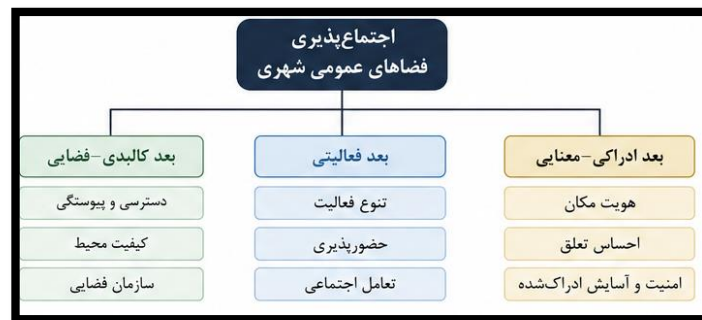
با توجه به ماهیت چندبعدی اجتماع‌پذیری، پژوهش حاضر چارچوب تحلیلی خود را بر پایه تلفیق این سه بعد اصلی — کالبدی-فضایی، فعالیتی و ادراکی-معنایی، استوار ساخته است. انتخاب این ابعاد علاوه بر اتکا به ادبیات نظری، با ویژگی‌های فضایی و اجتماعی بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل نیز همخوانی دارد و امکان ارزیابی جامع عوامل مؤثر بر کیفیت تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورد. بر همین اساس، گویه‌های پرسشنامه و شاخص‌های ارزیابی پژوهش از این چارچوب مفهومی استخراج و تدوین شده‌اند تا بتوان نقش هر یک از ابعاد را در تبیین سطح اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مورد سنجش قرار داد.

با توجه به ساختار مقاله و مبانی نظری که ذکر شد، جدول 1 برای تعیین ابعاد و مولفه‌های اجتماع‌پذیری برای رسیدن به هدف نهایی می‌تواند مناسب می‌باشد.

جدول 1. ابعاد، مؤلفه‌ها و منابع استخراج شاخص‌های اجتماع‌پذیری

بعد	مولفه	نمونه شاخص‌ها	مهمترین منابع
کالبدی-فضایی	دسترسی و پیوستگی	سهولت دسترسی، پیوستگی مسیرهای پیاده، خوانایی، نفوذپذیری	Jacobs (1961); Gehl (2011); Carmona et al. (2021)
کالبدی-فضایی	کیفیت محیط	میلان شهری، روشنایی، فضای سبز، نظافت، نگهداری، آسایش اقلیمی	PPS (2018); Gehl (2011); Mehta (2014)
کالبدی-فضایی	سازمان فضایی	مقیاس انسانی، محصوریت، فضاهای مکث، دید و منظر، کیفیت بصری	Whyte (1980); Montgomery (1998); Carmona et al. (2021)
فعالیتی	تنوع فعالیت	فعالیت‌های فرهنگی، تجاری، تفریحی، تنوع کاربری	Jacobs (1961); Gehl (2011); Mehta (2020)
فعالیتی	حضورپذیری	تداوم حضور شهروندان، استفاده در ساعات مختلف، حضور گروه‌های سنی مختلف	Whyte (1980); PPS (2018)
فعالیتی	تعامل اجتماعی	گفت‌وگو، ملاقات، مشارکت اجتماعی، رویدادهای جمعی	Mehta (2014); Gehl (2011)
ادراکی-معنایی	هویت مکان	هویت تاریخی، اصالت، ارزش‌های فرهنگی	Relph (1976); Norberg-Schulz (1980)
ادراکی-معنایی	احساس تعلق	دلبستگی به مکان، خاطره جمعی، وابستگی اجتماعی	Altman & Low (1992); Scannell & Gifford (2010)
ادراکی-معنایی	امنیت و آسایش ادراک شده	احساس امنیت، آرامش، اعتماد به محیط	PPS (2018); Carmona et al. (2021)

بر اساس مرور نظام‌مند ادبیات نظری و مطالعات تجربی، شاخص‌های اولیه پژوهش استخراج و در سه بعد اصلی شامل کالبدی-فضایی، فعالیتی و ادراکی-معنایی طبقه‌بندی شدند. این ابعاد، مبنای طراحی پرسشنامه و تحلیل وضعیت اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل را تشکیل می‌دهند. انتخاب این چارچوب مفهومی با اتکا به پژوهش‌های شاخص حوزه فضاهای عمومی و اجتماع‌پذیری انجام شده و تلاش شده است تا ضمن حفظ جامعیت، از هم‌پوشانی میان شاخص‌ها جلوگیری شود.



دیاگرام 1: اجتماع پذیری فضاهای عمومی شهری منبع: نگارندگان براساس مبانی نظری

4- پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده درباره اجتماع پذیری فضاهای عمومی نشان می‌دهد که کیفیت تعاملات اجتماعی در شهرها تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، عملکردی، اجتماعی و ادراکی قرار دارد. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های بین‌المللی بر نقش طراحی شهری، کیفیت محیط، تنوع کاربری‌ها، پیاده‌مداری و امنیت در افزایش حضورپذیری و تعاملات اجتماعی تأکید کرده‌اند (Gehl, 2011; Carmona et al., 2021). در این مطالعات، اجتماع پذیری به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی کیفیت فضاهای عمومی معرفی شده و ارتباط آن با سرزندگی شهری، سرمایه اجتماعی و سلامت شهری مورد تأیید قرار گرفته است.

در حوزه بافت‌های تاریخی نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حفاظت کالبدی به‌تنهایی تضمین‌کننده پویایی اجتماعی این فضاها نیست. استمرار حضور شهروندان، تنوع فعالیت‌ها، تداوم کاربری‌های محلی، تقویت حس تعلق و حفظ هویت تاریخی از مهم‌ترین عوامل ارتقای اجتماع پذیری در این محدوده‌ها محسوب می‌شوند (Bandarin & van Oers, 2012; UNESCO, 2011). در سال‌های اخیر، رویکرد بازآفرینی شهری نیز بیش از گذشته بر بازگرداندن حیات اجتماعی به بافت‌های تاریخی در کنار حفاظت از ارزش‌های میراثی تأکید کرده است (UN-Habitat, 2020).

در مطالعات داخلی نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. حبیبی و مقصودی (۱۳۹۱) نقش هویت مکانی و کیفیت محیط را در افزایش حضورپذیری شهروندان مؤثر دانسته‌اند. بحرینی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که کیفیت کالبدی زمانی به تعامل اجتماعی منجر می‌شود که با تنوع عملکردی و قابلیت دسترسی مناسب همراه باشد. جهان زمین (۱۳۹۵) در پژوهشی بر روی محله‌های شش گانه بافت تاریخی شهر اردبیل دریافت که وجود آئین‌های مذهبی عزاداری‌ها و برنامه‌های جماعت، نقش کلیدی در پیوستگی کالبدی بافت و حفظ هویت اجتماعی آن داشته است. نتایج پژوهش پوراحمد و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که دو عامل «هویت و تعلق خاطر» و «شناخت و هم‌ذات‌پنداری» با مکان از مهمترین عوامل مؤثر در پایداری اجتماعی مسکن در بافت‌های تاریخی شهر کاشان هستند. مطالعه کلانتری خلیل آباد و درخشانی (۱۳۹۳) نیز نشان داد که تأثیر عوامل بیرونی در عدم پایداری اجتماعی محله عودلاجان تهران بیشتر از عوامل درونی محله است چنانکه از این پژوهش‌ها بر می‌آید هنوز خلاء مطالعاتی در زمینه اجتماع پذیری بافت‌های تاریخی وجود دارد با این حال نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که در صورت ارتقاء سطح پایداری اجتماعی در بافت‌های تاریخی به میزان بسیاری زیادی می‌توان کیفیت زندگی ساکنان آنها را افزایش داد.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی به بررسی کیفیت فضاهای عمومی، سرزندگی شهری، پایداری اجتماعی و اجتماع پذیری پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات بیانگر آن است که کیفیت کالبدی، امنیت، دسترسی، فعالیت‌های اجتماعی و ویژگی‌های ادراکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حضور شهروندان در فضاهای عمومی هستند. با این حال، اغلب این پژوهش‌ها هر یک تنها بخشی از ابعاد اجتماع پذیری را بررسی کرده‌اند یا بر شهرهای بزرگ متمرکز بوده‌اند و کمتر مطالعه‌ای با رویکردی یکپارچه، هم‌زمان ابعاد کالبدی، محیطی، فعالیتی و ادراکی را در بافت‌های تاریخی ایران ارزیابی کرده است. افزون بر این، بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل تاکنون با چنین چارچوب تحلیلی

مورد مطالعه قرار نگرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر با تلفیق داده‌های پرسشنامه‌ای و مشاهدات میدانی، در صدد ارائه تصویری جامع از وضعیت اجتماع‌پذیری و تبیین عوامل مؤثر بر آن در این بافت تاریخی است.

بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تلفیق چهار بعد اصلی اجتماع‌پذیری (کالبدی-فضایی، فعالیتی، اجتماعی و ادراکی-معنایی) و بهره‌گیری هم‌زمان از پرسشنامه، مشاهده میدانی و تحلیل‌های آماری، وضعیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل را ارزیابی کرده و تفاوت‌های فضایی میان محلات تاریخی را تبیین می‌کند. این رویکرد می‌تواند مبنایی برای تدوین راهبردهای بازآفرینی اجتماعی-فضایی در بافت‌های تاریخی ایران فراهم سازد.

5- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است که با هدف تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری در بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل انجام شده است. رویکرد پژوهش مبتنی بر تلفیق مطالعات نظری و بررسی‌های میدانی بوده و تلاش شده است با بهره‌گیری از داده‌های حاصل از پرسشنامه و مشاهده مستقیم، وضعیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه ارزیابی و عوامل مؤثر بر آن شناسایی شود.

فرآیند پژوهش در سه مرحله اصلی انجام شده است. در مرحله نخست، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی منابع نظری مرتبط با مفهوم اجتماع‌پذیری، فضاهای عمومی شهری و بازآفرینی بافت‌های تاریخی، چارچوب نظری پژوهش تدوین و شاخص‌های ارزیابی استخراج شد. در مرحله دوم، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه و مشاهده میدانی در محدوده تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل گردآوری شد. در مرحله سوم، داده‌های حاصل با استفاده از روش‌های آماری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش شامل استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی موجود در محدوده تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل است. با توجه به گستردگی جامعه آماری و نامحدود بودن تعداد کاربران، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعیین شد. بر این اساس، تعداد ۳۸۴ پرسشنامه معتبر برای تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

نمونه‌گیری به شیوه تصادفی در فضاهای عمومی منتخب محدوده انجام شد تا دیدگاه گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا شامل ساکنان، کسبه، مراجعه‌کنندگان و عابران مورد بررسی قرار گیرد.

برای گردآوری داده‌ها از سه ابزار اصلی استفاده شد:

5-1 مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای:

به‌منظور تدوین چارچوب نظری، شناسایی ابعاد اجتماع‌پذیری و استخراج شاخص‌های پژوهش، منابع داخلی و خارجی مرتبط بررسی شد.

5-2 پرسشنامه:

پرسشنامه پژوهش بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده از مبانی نظری و پیشینه پژوهش تنظیم شد. گویه‌های پرسشنامه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از بسیار کم تا بسیار زیاد) طراحی شد و ابعاد اصلی اجتماع‌پذیری شامل ابعاد کالبدی-فضایی، محیطی، فعالیتی و ادراکی-معنایی را مورد سنجش قرار داد.

5-3 مشاهده میدانی:

به منظور تکمیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و بررسی الگوهای واقعی حضور و رفتار کاربران، مشاهده مستقیم و نظام‌مند در فضاهای عمومی منتخب انجام شد. این مشاهدات طی یک دوره چهار هفته‌ای و در زمان‌های مختلف روز صورت گرفت و شاخص‌هایی مانند میزان حضور افراد، فعالیت‌های اجتماعی، الگوهای مکث و تعاملات اجتماعی ثبت شد.

5-4 روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های حاصل از پرسشنامه پس از ورود به نرم‌افزار آماری، با استفاده از روش‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله نخست، از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی برای بررسی وضعیت کلی شاخص‌ها استفاده شد. سپس به منظور بررسی روابط میان متغیرها و تعیین میزان ارتباط ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری، آزمون همبستگی پیرسون انجام گرفت.

همچنین برای شناسایی ساختارهای اصلی مؤثر بر اجتماع‌پذیری و تعیین اهمیت نسبی مؤلفه‌ها، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در نهایت، به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری ابعاد مختلف بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی، تحلیل رگرسیون خطی مورد استفاده قرار گرفت.

5-5 اعتبار ابزار پژوهش

به منظور بررسی روایی پرسشنامه، گویه‌های پژوهش بر اساس مبانی نظری، مطالعات پیشین و نظر متخصصان حوزه شهرسازی تنظیم شد. همچنین پایایی ابزار اندازه‌گیری با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و میزان به دست آمده نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مناسب پرسشنامه برای سنجش مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری بود.

6- معرفی محدوده مطالعاتی:

نمونه میدانی در نظر گرفته شده برای این پژوهش در شهرستان اردبیل، مرکز استان اردبیل واقع شده است که بافت تاریخی و فرهنگی مرکز شهر به عنوان محدوده مطالعاتی این پژوهش می‌باشد که بر مبنای مطالعات انجام شده می‌توان گفت نفوذپذیری، حفاظت، راحتی، مشارکت غیر فعال، تناسبات بصری، غنای حسی، خوانایی، حس مکان تأکید بر پیاده و همه شمولی شاخص‌هایی هستند که بر اساس آنها می‌توان وضعیت محیطی بافت فرهنگی تاریخی اردبیل را در باب اجتماع‌پذیری مورد ارزیابی قرار داد و بر مبنای آن به ارائه پیشنهاداتی پرداخت. در فصل بعدی و در جریان مطالعات موردی مبتنی بر مشاهده میدانی بافت تاریخی و فرهنگی (بافت مرکزی) ضمن سنجش وضعیت محیط طبق چک لیست از نمونه‌ها و شرایط عکس برداری شده و شرح وضعیت به طور مستقل توضیح داده خواهد شد.



نقشه 1: موقعیت محدوده نسبت به موقعیت اردبیل (منبع: برگرفته از عرصه)

هدف این پژوهش سنجش اجتماع‌پذیری محله‌های بافت تاریخی شهر (بافت فرهنگی _تاریخی مرکزی اردبیل) می‌باشد. سنجه‌های پژوهش نیز در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته با ۱۰ مؤلفه اصلی پیاده سازی شد که عبارت اند از امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هویت جمعی، سرزندگی، تعامل اجتماعی، حس تعلق، کیفیت محیطی زیرساختی، بهره‌مندی اقتصادی و عدالت فضایی نتایج نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی در بافت تاریخی اردبیل در مجموع پایین است با اینکه مؤلفه‌های امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی و حس تعلق وضعیت مطلوب تری نسبت به سایر مؤلفه‌ها داشتند، اما ناپایداری در وضعیت اقتصادی، ساکنان پایین بودن کیفیت کالبدی بافت و دسترسی نامناسب به خدمات عمومی عامل مهمی در تشدید ناپایداری اجتماعی محدوده مورد مطالعه بود. در بین محله‌ها، نیز تفاوت‌های فضایی معنی داری از نظر میزان پایداری اجتماعی مشاهده شد. در واقع، موقعیت مکانی هر یک از محله‌ها و نحوه دسترسی به خدمات شهری بر پایداری اجتماعی آنها مؤثر بود نتایج این مطالعه ضمن تأکید بر ضرورت ارزیابی پایداری اجتماعی در سطح محله‌های شهری نقش ابعاد اجتماعی توسعه پایدار را در ارتقای کیفیت بافت‌های تاریخی برجسته می‌سازد.

وجود بناهای ارزشمند نظیر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی مسجد جامع شهر با پیشینه آتشکده ساسانی، بازار و ده‌ها خانه و مربوط به دوره‌های پهلوی و قاجار موجب شده این محدوده از سویی به عنوان مرکز عملکردی و فیزیکی شهر پویایی حیات خود را در این دوران نیز حفظ نماید و از سویی دیگر به عنوان نمونه مناسبی از بافت مسکونی نواحی سردسیر واجد ارزش فراوانی باشد (زیاری ۱۳۸۹) همان‌طور که نتایج یکی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد تداوم سکونت و اشتغال بخشی از جمعیت شهر اردبیل در بافت تاریخی، آن تعلق خاطر به این محله‌ها و وجود بافت اجتماعی اصیل و ریشه دار در این محله‌ها، سازنده بخشی از هویت اجتماعی شهر اردبیل است (جهان‌زمین، ۱۳۹۵، ۱۱۳).

با این وجود، رخنه آسیب‌ها در بافت قدیم اردبیل مانند سایر بافت‌های تاریخی ایران منجر به افت کیفیت محیطی افت منزلت اجتماعی و سرزندگی اقتصادی شهر شده است. در حال حاضر بی‌توجهی به بافت تاریخی این شهر و تغییر عملکردی آن، بخش بزرگی از ساختارهای جامع و منظم این بافت را از بین برده و عملاً ماهیت اجتماعی آن را تغییر داده است. از سوی دیگر، شواهد موجود حاکی از آن است که پایداری اجتماعی این بافت نسبت به سال‌های پیش در حال کمرنگ شدن است. از این رو، هدف از مطالعه حاضر، سنجش سطح پایداری اجتماعی در بافت تاریخی شهر اردبیل و تبیین تفاوت‌های فضایی محله‌های این بافت از نظر برخورداری از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی است.

6-1 معرفی بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل

بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل مهم‌ترین هسته تاریخی شهر محسوب می‌شود که مجموعه‌ای از عناصر ارزشمند کالبدی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی را در خود جای داده است. بازار تاریخی اردبیل، مجموعه جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مسجد جامع، میدان عالی‌قاپو، سراها، تیمچه‌ها، گذرهای تاریخی و محلات قدیمی، مهم‌ترین اجزای این محدوده را تشکیل می‌دهند.

این محدوده علاوه بر ارزش‌های معماری و تاریخی، طی قرن‌های گذشته مهم‌ترین مرکز تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر بوده است. بازار سنتی به عنوان قلب اقتصادی شهر، مجموعه شیخ صفی به عنوان قطب مذهبی و فرهنگی و گذرهای تاریخی به عنوان مسیرهای اصلی ارتباطی، همواره نقش مهمی در شکل‌گیری حیات اجتماعی شهر اردبیل ایفا کرده‌اند.

ثبت جهانی مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در فهرست میراث جهانی یونسکو، اهمیت بین‌المللی این محدوده را دوچندان کرده و ضرورت حفاظت، احیا و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی آن را افزایش داده است. با وجود این، تغییرات کالبدی، توسعه شهر، کاهش برخی فعالیت‌های سنتی، فرسودگی محیطی و تغییر الگوهای استفاده از فضا، موجب کاهش کیفیت برخی فضاهای عمومی این محدوده شده است.

مراسمات و تشریفات میدان عالی قاپو در بافت تاریخی و فرهنگی

میدان عالی قاپو از همان زمان صفوی به دلیل اهمیت شیخ صفی الدین محل تشیع و مذهب بوده است، از دیرباز در این میدان مراسم های مذهبی برگزار شده و امروز نیز این هویت و معنای خود را حفظ کرده و طوری که مراسم های ویژه ای در تاسوعا و عاشورای حسینی در صحن میدان برگزار شده و برگزار میشه. در وفات مسلم (مسلموفاتی) در صحن میدان ضرب تبل ها زده می شود و با ایجاد فضای حزن انگیز شروع به رجز خوانی می کنند و با برگزاری این مراسم در میدان عالی قاپو، شروع شدن ماه محرم را به مردم شهر اعلام می کنند. (صفری، 1370) میدان عالی قاپو از عزت و احترام خاصی در میان مردم برخوردار بوده است. اهالی این محله همچون مردم اردبیل به سالار شهیدان اعتقاد بالایی دارند، در سال های قبل از منع شدن قمه زنی در صحن میدان قمه زنان تجمع می کردند و شروع به قمه زنی می کردند، که قمه زنان این محله به (کوزه) معروف هستند. شکل 1-1 مراسمات میدان عالی قاپو را در گذر زمان نشان می دهد که از دیرباز محل تجمع و اجتماع پذیری در قلب بافت تاریخی- فرهنگی اردبیل بوده است.



شکل 1: مراسمات میدان عالی قاپو

(مراسم شبیه خوانی در دوره قاجار (عکس سمت چپ) و همچنین در سال 1310 (سمت راست بالا) و مراسم اعدام (سمت راست پایین) مآخذ: بنیاد مردم شناسی به نقل از محمد هدایتی)

6-2 فضاهای مورد بررسی:

به منظور ارزیابی وضعیت اجتماع پذیری، مهم ترین فضاهای عمومی بافت تاریخی- فرهنگی اردبیل انتخاب شدند که شامل موارد زیر هستند: بازار تاریخی اردبیل، مجموعه جهانی شیخ صفی الدین اردبیلی، میدان عالی قاپو، گذرهای تاریخی، فضاهای باز و پلازاهای شهری، محلات تاریخی پیرعبدالملک، محلات تاریخی اوچدکان. این فضاها به دلیل تنوع عملکردی، میزان حضور شهروندان، ارزش تاریخی و نقش آن ها در حیات اجتماعی شهر، به عنوان نمونه های اصلی پژوهش انتخاب شدند.

شاخص های ارزیابی اجتماع پذیری در محدوده مورد مطالعه بر اساس سه بعد اصلی پژوهش انجام گرفت:

الف) شاخص های کالبدی: امنیت و آسایش، کیفیت دسترسی، خوانایی فضایی، دعوت کنندگی، کیفیت مبلمان شهری، منظر شهری، فرصت مکث، پیوستگی فضایی

ب) شاخص های فعالیتی: تنوع فعالیت ها، فعالیت های اقتصادی، فعالیت های فرهنگی، رویدادهای اجتماعی، حضور گردشگران، مشارکت شهروندان

ج) شاخص های ادراکی-معنایی: حس تعلق، هویت مکانی، خاطره جمعی، سرزندگی، اعتماد اجتماعی، رضایت کاربران

این شاخص ها بر پایه ادبیات نظری پژوهش استخراج شده و مبنای طراحی پرسشنامه، تحلیل داده های میدانی و تبیین مدل نهایی پژوهش قرار گرفته اند. از دیدگاه شهر سازی، هسته اولیه شکل گیری شهر اردبیل پیرامون بازار تاریخی و مجموعه شیخ صفی توسعه یافته و به تدریج سایر محلات تاریخی در پیرامون آن شکل گرفته اند. این ساختار تاریخی موجب شده است که بخش قابل توجهی از فعالیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهر همچنان در محدوده تاریخی متمرکز باشد.

7- یافته‌های پژوهش

7-1 ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

در ابتدا، ویژگی‌های عمومی نمونه آماری شامل جنسیت، سن، سطح تحصیلات، مدت سکونت یا میزان آشنایی با محدوده مورد مطالعه ارائه می‌شود. بررسی ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که نمونه انتخاب شده از تنوع مناسب برخوردار بوده و دیدگاه گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضاهای عمومی بافت تاریخی- فرهنگی اردبیل را منعکس می‌کند. از مجموع ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده در فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل، ۳۸۴ پرسشنامه به صورت کامل بازگردانده شد که نرخ بازگشت ۹۶ درصدی را نشان می‌دهد. جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، سابقه سکونت و علت حضور در فضا نشان می‌دهد.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	دسته‌بندی	درصد	فراوانی
جنسیت	مرد	58/03	۲۲۴
	زن	41/07	۱۶۰
سن	کمتر از ۲۰ سال	۹/۱۰	۴۲
	تا ۳۵ سال	۹/۳۵	۱۳۸
	تا ۵۰ سال	۹/۲۹	۱۱۵
	بیش از ۵۰ سال	۲/۲۳	۸۹
سابقه سکونت در بافت	کمتر از ۵ سال	۰/۱۸	۶۹
	تا ۱۵ سال	۰/۲۵	۹۶
	تا ۳۰ سال	۹/۲۹	۱۱۵
	بیش از ۳۰ سال	۱/۲۷	۱۰۴
علت حضور در فضا	سکونت	۱/۳۳	۱۲۷
	کار و کسب	۸/۳۹	۱۵۳
حضور پذیری	تفریح و گذران اوقات فراغت	۷/۱۶	۶۴
	گردشگری	۴/۱۰	۴۰

با توجه به داده‌های جدول ۲، از میان پاسخگویان، ۲۲۴ نفر معادل 58/3 درصد مرد و ۱۶۰ نفر معادل 41/7 درصد زن بودند. این نسبت جنسیتی نشان می‌دهد که حضور زنان در فضاهای عمومی بافت تاریخی نسبت به بسیاری از بافت‌های فرسوده دیگر شهرهای ایران که گاه سهم زنان به ۳۰ درصد یا کمتر می‌رسد، وضعیت به نسبت مطلوب‌تری دارد و می‌توان آن را یکی از نقاط قوت نسبی بافت تاریخی اردبیل به شمار آورد. در توزیع سنی پاسخگویان، گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال با ۱۳۸ نفر (۹/۳۵ درصد) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است و پس از آن به ترتیب گروه‌های سنی ۳۶ تا ۵۰ سال با ۱۱۵ نفر (۹/۲۹ درصد)، بیش از ۵۰ سال با ۸۹ نفر (۲/۲۳ درصد) و کمتر از ۲۰ سال با ۴۲ نفر (۹/۱۰ درصد) قرار دارند. این پراکندگی نشان می‌دهد که بافت تاریخی اردبیل تنها به سالمندان تعلق ندارد و نسل میانی جامعه نیز در آن حضور فعالی دارد که خود پتانسیل مطلوبی برای احیای اجتماع‌پذیری محسوب می‌شود.

از نظر سابقه سکونت در بافت تاریخی، نتایج بسیار جالب توجه است. ۱۰۴ نفر از پاسخگویان (۱/۲۷ درصد) بیش از ۳۰ سال سابقه سکونت در این بافت داشتند و ۱۱۵ نفر (۹/۲۹ درصد) نیز بین ۱۵ تا ۳۰ سال در محدوده سکونت داشته‌اند. در مجموع، بیش از ۵۵ درصد پاسخگویان دارای سابقه سکونت بالای ۱۵ سال هستند. این آمار نشان‌دهنده وجود سرمایه اجتماعی نسبتاً قابل قبول و حس تعلق مکانی در میان ساکنان اصیل بافت است که خود یکی از پیش‌نیازهای اصلی اجتماع‌پذیری به شمار می‌رود. با این حال، ۱۸ درصد پاسخگویان (۶۹ نفر) سابقه سکونت کمتر از ۵ سال داشتند که نشان از روند تدریجی جابه‌جایی جمعیت اصیل و ورود ساکنان جدید (اغلب با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر) به بافت دارد و می‌تواند در بلندمدت سرمایه اجتماعی موجود را تهدید کند. در پاسخ به سؤال علت حضور در فضاهای عمومی بافت، ۱۵۳ نفر (۸/۳۹ درصد) کار و کسب را علت اصلی حضور خود اعلام کردند که نشان از رونق نسبی بازار تاریخی و کاربری‌های تجاری پیرامون آن دارد. پس از آن، ۱۲۷ نفر (۱/۳۳ درصد) سکونت را علت حضور خود ذکر کردند. ۶۴ نفر (۷/۱۶ درصد) به قصد تفریح و گذران اوقات فراغت در فضاهای عمومی حاضر می‌شدند و ۴۰ نفر (۴/۱۰ درصد) نیز هدف اصلی خود را زیارت بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی عنوان کردند. این آمار نشان می‌دهد که بافت تاریخی اردبیل عمده‌تاً یک قطب کار و کسب و سکونت است و سهم فعالیت‌های فراغتی و تفریحی در آن بسیار محدود می‌باشد.

7-1 پایایی ابزار پژوهش

برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0.904 بوده است. همچنین آلفای ابعاد مختلف بین 0.793 تا 0.891 به دست آمده است. بنابراین تمامی ابعاد از پایایی قابل قبول برخوردارند.

جدول 3: ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف پرسشنامه

بعد	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
ابعاد کالبدی-فضایی	0/872	۱۸
ابعاد فعالیتی	0/845	۱۲
ابعاد ادراکی-معنایی	0/891	۱۰
عوامل محیطی	0/793	۸
عوامل اجتماعی	0/864	14
کل پرسشنامه	0/904	۶۲

نتایج از حاصل

محاسبه ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که پرسشنامه پژوهش از سطح مطلوبی از پایایی برخوردار است.

مقدار آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با 0.904 به دست آمد که بیانگر سازگاری درونی بسیار مطلوب گویه‌ها و قابلیت اعتماد بالای ابزار اندازه‌گیری است. همچنین مقادیر آلفا برای ابعاد مختلف بین 0.792 تا 0.891 متغیر بوده که همگی بالاتر از حد قابل قبول (0.70) هستند. در این میان، بعد ادراکی-معنایی با مقدار 0.891 بالاترین میزان پایایی و بعد محیطی با مقدار 0.792 پایین‌ترین میزان پایایی را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به اینکه تمامی ضرایب به دست آمده در سطح مطلوب قرار دارند،

می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش از ثبات و قابلیت اعتماد کافی برای سنجش ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل برخوردار است.

7-2 ارزیابی وضعیت کلی اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی

به‌منظور ارزیابی وضعیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بافت تاریخی فرهنگی اردبیل، میانگین امتیاز ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری محاسبه شد. نتایج نشان داد که میانگین کلی اجتماع‌پذیری در محدوده مورد مطالعه برابر با $2/68$ از 5 است که بیانگر وضعیت متوسط رو به پایین و کمتر از سطح مطلوب در زمینه فراهم‌آوردن زمینه‌های حضور، تعامل و فعالیت اجتماعی است.

جدول 4: میانگین نمره ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل

رتبه	بعد	وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین
۱	ابعاد ادراکی-معنایی (حس تعلق، هویت)	متوسط	0/86	3/12
۲	عوامل اجتماعی (امنیت، روابط همسایگی)	متوسط رو به پایین	0/91	2/85
۳	ابعاد فعالیتی (تنوع فعالیت، رویدادها)	پایین	0/94	2/54
۴	ابعاد کالبدی-فضایی	پایین	0/88	2/43
۵	عوامل محیطی (کیفیت هوا، فضای سبز)	بسیار پایین	0/95	2/28
	میانگین کلی اجتماع‌پذیری	پایین‌تر از متوسط	0/79	2/68

بر اساس نتایج، بعد ادراکی-معنایی با کسب بالاترین میانگین، مهم‌ترین نقطه قوت بافت تاریخی فرهنگی اردبیل محسوب می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده تداوم ارزش‌های هویتی، خاطره جمعی و ارتباط عاطفی شهروندان با این محدوده است. در مقابل، پایین بودن امتیاز ابعاد کالبدی، محیطی و فعالیتی بیانگر آن است که ارزش‌های تاریخی موجود به‌تنهایی نتوانسته‌اند زمینه کافی برای حضور پایدار و تعاملات اجتماعی روزمره را فراهم کنند.

7-3 تفاوت فضایی اجتماع‌پذیری در محدوده مورد مطالعه

به‌منظور بررسی تفاوت میان فضاهای عمومی مختلف، ارزیابی میدانی در چند فضای شاخص محدوده انجام شد. امتیازدهی بر اساس چک‌لیست مشاهده‌ای و در طیف صفر تا 20 صورت گرفت و مشاهدات در روزها و ساعات مختلف طی یک دوره چهار هفته‌ای انجام شد.

نتایج نشان داد که توزیع اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل یکنواخت نیست و بخش عمده ظرفیت اجتماعی در گره‌های تاریخی، گردشگری و تجاری متمرکز شده است. بر اساس داده‌های موجود، بالاترین امتیاز مربوط به محوطه بقعه شیخ صفی با امتیاز $15/4$ و پس از آن راسته بازار با امتیاز $12/3$ است. میدان عالی‌قاپو با امتیاز $10/2$ در سطح متوسط قرار دارد؛ در حالی که محله پیرعبدالملک با $7/8$ و محدوده مسجد جامع با $7/4$ در وضعیت پایین‌تری قرار گرفته‌اند. اوچ‌دکان با $6/5$ و گازران با $4/9$ نیز در محدوده پایین تا بحرانی قرار دارند.

جدول 5: دامنه امتیاز جدول (صفر تا 20)

ردیف	دامنه امتیاز	وضعیت
------	--------------	-------

بسیار پایین	0 تا 4	1
پایین	4/01 تا 8	2
متوسط	8/01 تا 12	3
نسبتاً مطلوب	12/01 تا 16	4
مطلوب	16/01 تا 20	5

جدول 6: امتیاز اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مختلف در بافت تاریخی اردبیل

رتبه	(۲۰-۰) امتیاز	نوع فضا	نام فضا	وضعیت
۱	15/4	فضای شاخص شهری	محوطه بقعه شیخ صفی الدین	نسبتاً مطلوب
۲	12/3	فضای شهری (خطی)	راسته بازار (میدان امام تا سرچشمه)	نسبتاً مطلوب
۳	10/2	میدان تاریخی	میدان عالی‌قاپو	متوسط رو به پایین
۴	7/8	فضای محله‌ای	محله پیر عبدالملک	پایین
۵	7/4	فضای مذهبی-محله‌ای	محدوده اطراف مسجد جامع (جمعه مسجد)	پایین
۶	6/5	فضای محله‌ای	محله اوچ دکان	پایین
۷	5/8	خیابان شهری (سواره محور)	خیابان امام خمینی (قطعه جنوبی)	پایین
۸	4/9	فضای محله‌ای فرسوده	محله گازران-کوچه زندان	پایین
۹	2/3	فضای باقیمانده-رها شده	پارکینگ‌های تبدیل شده به فضای تجمع غیررسمی	بسیار پایین

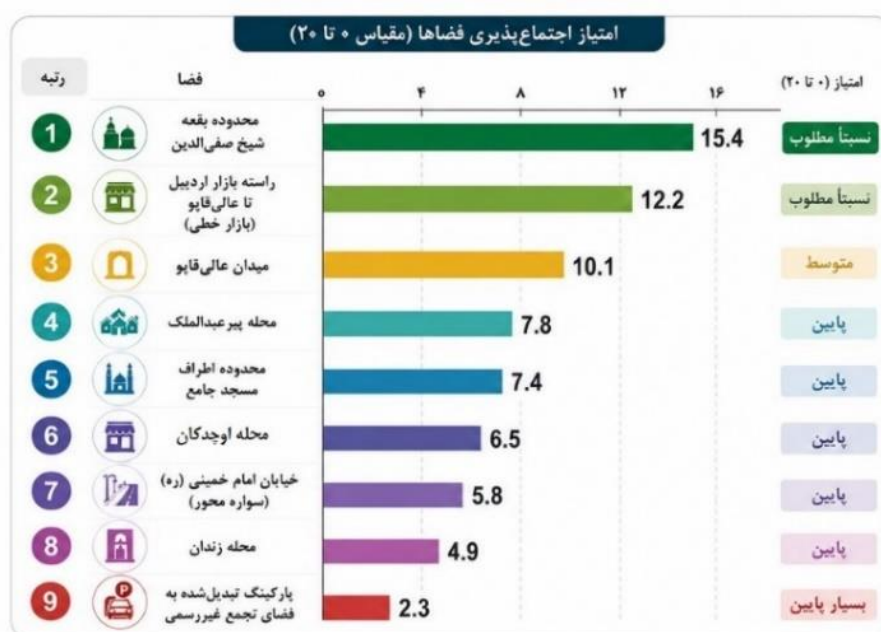
نتایج جدول نشان می‌دهد که میزان اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل یکسان نیست و تفاوت قابل توجهی میان فضاهای مختلف وجود دارد. بالاترین امتیاز مربوط به محدوده بقعه شیخ صفی‌الدین با امتیاز 15/4 است که در سطح «نسبتاً مطلوب» قرار گرفته است. این فضا به دلیل برخورداری از ارزش‌های تاریخی، مذهبی و گردشگری، حضور مداوم شهروندان و گردشگران و وجود فعالیت‌های متنوع، توانسته شرایط مناسب‌تری برای تعاملات اجتماعی فراهم کند. در رتبه دوم، راسته بازار اردبیل تا عالی‌قاپو (بازار خطی) با امتیاز ۱۲/۳ قرار دارد که وضعیت آن در سطح متوسط ارزیابی شده است. حضور فعالیت‌های تجاری، رفت‌وآمد مستمر شهروندان و پویایی اقتصادی از مهم‌ترین عوامل ارتقای اجتماع‌پذیری در این محور محسوب می‌شوند.

میدان عالی‌قاپو با امتیاز ۱۰/۲ در رتبه سوم قرار گرفته و وضعیت آن «متوسط رو به پایین» ارزیابی شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که اگرچه میدان از ظرفیت تاریخی و مکانی مناسبی برخوردار است، اما کمبود فعالیت‌های اجتماعی و کیفیت پایین برخی عناصر محیطی مانع از ایفای نقش مطلوب آن به عنوان یک فضای جمعی شده است. در مقابل، فضاهای محله‌ای نظیر محله پیرعبدالملک، محدوده اطراف مسجد جامع، محله دکان، محله زندان و خیابان امام خمینی (ره) پایین‌ترین امتیازات را کسب کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده ضعف حضورپذیری، کمبود فعالیت‌های جمعی، کاهش کیفیت محیطی و محدود شدن نقش اجتماعی این فضاها در سال‌های اخیر است.

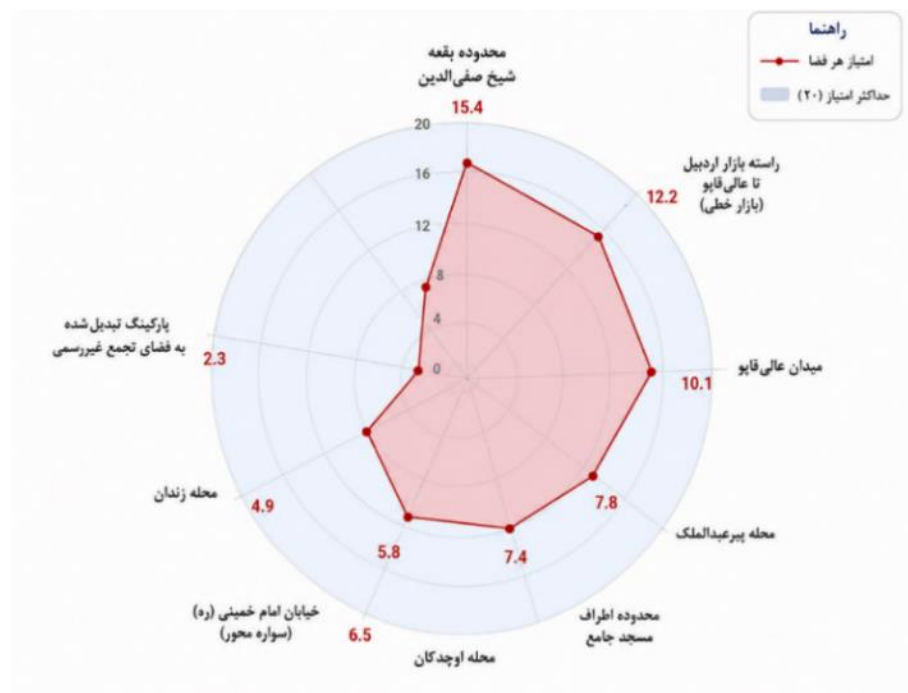
پایین‌ترین امتیاز مربوط به پارکینگ تبدیل شده به فضای تجمع غیررسمی با امتیاز 2/3 است که بیانگر نبود زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی پایدار در این فضا است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که:

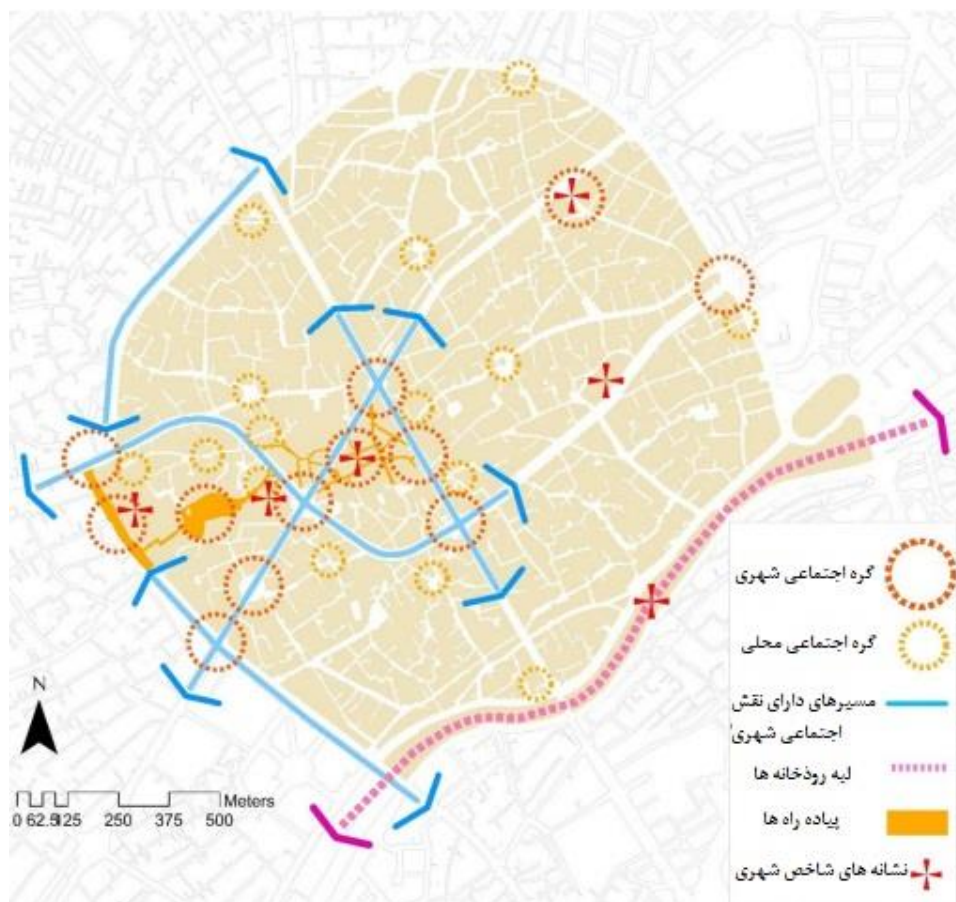
فضاهای دارای هویت تاریخی و گردشگری، اجتماع‌پذیری بیشتری دارند. فضاهای تجاری فعال نسبت به فضاهای مسکونی و محله‌ای عملکرد بهتری دارند. فضاهای رها شده و فاقد کارکرد مشخص کمترین سطح اجتماع‌پذیری را نشان می‌دهند. الگوی توزیع اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل نامتوازن است و تمرکز آن در چند گره تاریخی-گردشگری مشاهده می‌شود.



شکل 2: امتیاز اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مختلف در بافت تاریخی - فرهنگی اردبیل



شکل 3: مقایسه امتیاز اجتماع پذیری فضاهای عمومی



نقشه 2: نقشه پهنه‌بندی اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در محدوده بافت تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل

منبع: یافته‌های پژوهش میدانی (پرسشنامه از ۳۸۴ نفر و مشاهدات عینی پژوهشگر، فروردین تا اردیبهشت ۱۴۰۵).

4-7 تحلیل عاملی اکتشافی

در مرحله بعد، برای شناسایی ساختار اصلی عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری، تحلیل عاملی اکتشافی با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. نتایج آزمون کفایت نمونه‌برداری نشان داد که مقدار **KMO برابر با 0.872** است که کفایت مناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی را تأیید می‌کند. همچنین آزمون کرویت بارتلت با مقدار **$\chi^2=2345.6$** ، **df=465** و **p<0.001** معنادار بوده است. بنابراین انجام تحلیل عاملی بر روی داده‌ها از نظر آماری قابل توجیه است.

بر اساس نتایج تحلیل، پنج عامل اصلی استخراج شده‌اند که در مجموع 63/60 درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

جدول 7: عوامل استخراج شده و واریانس تبیین شده (تحلیل عاملی اکتشافی)

عامل	نام عامل	واریانس تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی بالاترین گویه
۱	حفاظت و امنیت	34/40	34/40	0/852
۲	دسترسی و نفوذپذیری پیاده	41/58	۷/۱۸	0/812
۳	حس مکان و هویت تاریخی	48/72	7/۱۴	0/791
۴	فرصت‌های نشستن و مکث	56/62	7/90	0/745
۵	تنوع فعالیت‌های روزانه و فصلی	63/60	6/98	0/703

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که امنیت و حفاظت محیطی مهم‌ترین عامل مؤثر در کیفیت و پایداری اجتماعی محلات تاریخی اردبیل است و به تنهایی بیش از یک سوم واریانس کل را تبیین می‌کند. پس از آن، عوامل دسترسی و نفوذپذیری پیاده، حس مکان و هویت تاریخی، فرصت‌های نشستن و مکث، و تنوع فعالیت‌های روزانه و فصلی به ترتیب در شکل‌دهی محیطی امن، سرزنده و اجتماع‌پذیر نقش دارند.

به طور کلی، یافته‌ها تأیید می‌کنند که ارتقای اجتماع‌پذیری در محلات تاریخی صرفاً از طریق مداخلات کالبدی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند توجه همزمان به ابعاد امنیتی، هویتی، عملکردی و اجتماعی است. از این رو، برنامه‌ریزی و طراحی شهری در محدوده‌های تاریخی اردبیل باید بر تقویت این پنج عامل کلیدی متمرکز شود تا زمینه دستیابی به امنیت پایدار و کیفیت زندگی مطلوب برای ساکنان فراهم گردد.

5-7 تحلیل رگرسیون چندمتغیره

برای تعیین مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده اجتماع‌پذیری، عوامل استخراج‌شده وارد مدل رگرسیون چندمتغیره شدند. نتایج موجود نشان می‌دهد که چهار عامل در مدل نهایی باقی مانده‌اند و هر چهار عامل در سطح **p<0.001** معنادار هستند.

جدول 8: عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری بر اساس رگرسیون چندمتغیره

رتبه اثر	عامل وارد شده به مدل	سطح معناداری	تعداد	(Beta) ضریب تأثیر استاندارد شده
1	حفاظت و امنیت	۰۰۰/۰	6/84	0/320
2	دسترسی و نفوذپذیری پیاده	۰۰۰/۰	5/93	0/280
3	فرصت های نشست و مکث	۰۰۰/۰	4/67	0/220
4	حس مکان و هویت تاریخی	۰۰۰/۰	2/82	0/180

نتایج نشان می دهد حفاظت و امنیت با ضریب استاندارد $\beta=0.320$ مهم ترین عامل مؤثر بر اجتماع پذیری است. پس از آن، دسترسی و نفوذپذیری پیاده با $\beta=0.280$ ، فرصت های نشست و مکث با $\beta=0.220$ و حس مکان و هویت تاریخی با $\beta=0.180$ قرار دارند.

بنابراین می توان گفت در محدوده تاریخی اردبیل، ایجاد یک فضای عمومی اجتماع پذیر بیش از آنکه صرفاً به وجود عناصر تاریخی وابسته باشد، به فراهم شدن شرایطی نیاز دارد که امکان حضور ایمن، دسترسی آسان، توقف و مکث و تجربه هویت تاریخی را برای کاربران فراهم کند.

بر این اساس، می توان استدلال کرد که در محدوده مورد مطالعه، احساس امنیت و امکان حضور بدون نگرانی، پیش شرط مهم تری برای شکل گیری اجتماع پذیری است و پس از آن، قابلیت دسترسی پیاده و فراهم بودن شرایط مکث و توقف قرار می گیرند. هویت تاریخی نیز اگرچه در مقایسه با سه عامل دیگر ضریب پایین تری دارد، همچنان اثر مثبت و معناداری بر اجتماع پذیری دارد.

این یافته نکته مهمی را برای بافت تاریخی اردبیل آشکار می کند: وجود عناصر تاریخی به تنهایی برای ایجاد حیات اجتماعی کافی نیست؛ بلکه این عناصر باید در محیطی امن، قابل دسترس و دارای فرصت های مناسب برای توقف و تعامل تجربه شوند.

6-7 تحلیل الگوهای رفتاری بر اساس مشاهدات میدانی

مشاهدات میدانی پژوهشگر در بازه زمانی چهار هفته و در ساعات هشت تا یازده صبح، چهارده تا هفده عصر و بیست تا بیست و سه شب، الگوهای رفتاری قابل توجهی را آشکار ساخت. جدول 9 توزیع انواع فعالیت های مشاهده شده را در فضاهای عمومی بافت تاریخی نشان می دهد.

جدول 9: توزیع الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل

مکان های شاخص	درصد افراد درگیر (میانگین روزانه)	نوع فعالیت
خیابان امام خمینی، ورودی های بازار	۴۸	عبور (بدون توقف)
راسته بازار، تیمچه ها	۲۵	خرید و فروش
بقعه شیخ صفی، مسجد جامع	۱۲	زیارت و دعا
سردر بقعه، چند نیمکت پراکنده	۸	نشستن و تماشا
قهوه خانه های سنتی، کنار حوض بقعه	۵	گفتگو و تعامل اجتماعی طولانی
فضاهای باز محدود (میدان عالی قاپو)	۲	بازی کودکان

بر اساس داده‌های (جدول 9)، ۴۸ درصد از افرادی که در فضاهای عمومی بافت دیده می‌شدند، در حالت عبور بودند و هیچ توقفی در فضا نداشتند. این افراد عمدتاً از مسیرهای اصلی (مثل خیابان امام خمینی و ورودی‌های بازار) عبور می‌کردند و نگاهشان به جلو بود و هیچ گونه تعامل چشمی یا کلامی با دیگران برقرار نمی‌کردند. ۲۵ درصد از افراد درگیر فعالیت خرید و فروش بودند که بیشترین تراکم آن در راسته بازار و خیابان‌های منتهی به آن مشاهده می‌شد. ۱۲ درصد از افراد در حال زیارت و دعا بودند که تقریباً تمام این گروه در محوطه بقعه شیخ صفی و مسجد جامع متمرکز بودند. تنها ۸ درصد از افراد در حالت نشستن و تماشا دیده شدند که این گروه عمدتاً سالمندان بودند و در چند نقطه محدود مانند سکوی جلوی سردر بقعه، چند نیمکت فرسوده در میدان عالی‌قاپو و قهوه‌خانه‌های سنتی توقف می‌کردند. ۵ درصد از افراد در حال گفتگوی طولانی با دیگران مشاهده شدند که این تعاملات عمدتاً در قهوه‌خانه‌ها، کنار حوض بقعه و در جلوی برخی مغازه‌های همجوار صورت می‌گرفت. کمترین سهم مربوط به بازی کودکان با تنها ۲ درصد بود که خود نشانه غم‌انگیزی از نبود فضاهای امن و مناسب برای بازی در بافت تاریخی است. سهم پایین «گفتگو و تعامل اجتماعی طولانی» (تنها ۵ درصد) نشان می‌دهد که فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل عمدتاً مکان‌های عبوری هستند، نه مکان‌های مکث و تعامل.

7-7 تلفیق یافته‌های کمی و مشاهدات میدانی

مقایسه یافته‌های پرسشنامه، تحلیل عاملی، رگرسیون و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که نتایج روش‌های مختلف در یک جهت قرار دارند. از یک سو، میانگین کلی اجتماع‌پذیری برابر با 2.68 است و ضعف ابعاد فعالیت، کالبدی-فضایی و محیطی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تحلیل عاملی پنج عامل اصلی شامل حفاظت و امنیت، دسترسی و نفوذپذیری پیاده، حس مکان و هویت تاریخی، فرصت‌های نشست و مکث و تنوع فعالیت‌ها را شناسایی کرده است. در مدل رگرسیون نیز چهار عامل نخست به عنوان عوامل معنادار وارد مدل نهایی شده‌اند.

مشاهدات رفتاری نیز نشان می‌دهد که 48 درصد از الگوی استفاده روزانه به عبور بدون توقف اختصاص دارد، در حالی که مجموع رفتارهای مستقیم مرتبط با مکث، نشست و تعامل اجتماعی طولانی بسیار محدودتر است.

بنابراین، یافته‌های پژوهش را می‌توان در یک زنجیره تحلیلی خلاصه کرد:



8- پاسخ به سوالات پژوهش براساس (جمع بندی یافته‌ها):

سؤال اول: وضعیت ابعاد اجتماع‌پذیری فضا در بافت تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل چگونه است؟

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت کلی اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی-فرهنگی شهر اردبیل در سطح مطلوبی قرار ندارد و میانگین کلی این شاخص برابر با 2/68 است. این مقدار اگرچه در دامنه «متوسط» طیف لیکرت قرار می‌گیرد، اما نزدیکی آن به کران پایین این طبقه بیانگر آن است که فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه هنوز نتوانسته‌اند شرایط مناسبی برای حضور مستمر شهروندان، شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و تقویت حیات مدنی فراهم کنند.

نتایج نشان می‌دهد که ابعاد مختلف اجتماع‌پذیری از وضعیت یکسانی برخوردار نیستند. بعد ادراکی-معنایی با میانگین 3/12 در رتبه نخست قرار گرفته است. این یافته بیانگر آن است که هویت تاریخی، حس تعلق به مکان و خاطره جمعی همچنان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی بافت تاریخی اردبیل محسوب می‌شوند و شهروندان ارتباط ذهنی و عاطفی خود را با این محدوده تا حد زیادی حفظ کرده‌اند. این ظرفیت می‌تواند مبنای مهمی برای برنامه‌های بازآفرینی شهری و ارتقای کیفیت فضاهای عمومی باشد.

پس از آن، عوامل اجتماعی با میانگین 2/85 در رتبه دوم قرار دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که اگرچه روابط همسایگی، مناسبات اجتماعی و برگزاری آیین‌های مذهبی همچنان بخشی از انسجام اجتماعی بافت را حفظ کرده‌اند، اما این ظرفیت به‌تنهایی برای ایجاد اجتماع‌پذیری مطلوب کافی نیست و نیازمند تقویت فعالیت‌های جمعی و ارتقای کیفیت محیط است.

در مقابل، ابعاد فعالیتی با میانگین 2/54 و ابعاد کالبدی-فضایی با میانگین 2/43 در وضعیت نامطلوب قرار دارند. این نتایج نشان می‌دهد که کمبود تنوع فعالیت‌های اجتماعی، ضعف برنامه‌های فرهنگی، محدود بودن فرصت‌های مکث، کیفیت نامناسب مبلمان شهری، ضعف خوانایی فضایی، کمبود نورپردازی و کاهش کیفیت طراحی محیطی، از مهم‌ترین عوامل کاهش حضور شهروندان و تضعیف تعاملات اجتماعی در این محدوده به شمار می‌روند. پایین‌ترین میانگین نیز به عوامل محیطی با مقدار 2/28 اختصاص دارد. این یافته نشان‌دهنده آن است که مشکلاتی نظیر آلودگی ناشی از ترافیک، کمبود فضای سبز، آلودگی صوتی و کیفیت پایین محیطی، نقش بازدارنده‌ای در شکل‌گیری اجتماع‌پذیری ایفا می‌کنند. بنابراین، نتایج پژوهش بیانگر آن

است که اگرچه بافت تاریخی اردبیل از ظرفیت‌های هویتی و فرهنگی ارزشمندی برخوردار است، اما ضعف در کیفیت محیط، طراحی شهری و تنوع فعالیت‌های عمومی موجب شده است این ظرفیت‌ها به شکل کامل در ارتقای اجتماع‌پذیری نمود پیدا نکنند.

سؤال دوم: بین محله‌های شش‌گانه بافت تاریخی شهر اردبیل از نظر میزان برخورداری از اجتماع‌پذیری چه تفاوتی وجود دارد؟

نتایج ارزیابی میدانی و امتیازدهی فضاهای عمومی نشان می‌دهد که میزان اجتماع‌پذیری در محدوده‌های مختلف محلات شش‌گانه بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل به‌طور محسوس متفاوت است و الگوی توزیع آن یکنواخت نیست. برر سی جدول ارزیابی فضاهای عمومی نشان می‌دهد که بیشترین میزان اجتماع‌پذیری در فضاهایی مشاهده می‌شود که از ترکیب ارزش‌های تاریخی، فعالیت‌های اقتصادی، حضور گردشگران و تنوع کارکردی برخوردار هستند، در حالی که فضاهای محله‌ای و عرصه‌های فاقد فعالیت اجتماعی از پایین‌ترین سطح اجتماع‌پذیری برخوردارند.

در این میان، محوطه بقعه شیخ صفی‌الدین با امتیاز $15/4$ بالاترین رتبه را کسب کرده است. حضور مستمر زائران و گردشگران، ارزش‌های مذهبی و تاریخی، فعالیت‌های فرهنگی، نظارت طبیعی ناشی از حضور کاربران و کیفیت نسبی محیط، مهم‌ترین عوامل ارتقای اجتماع‌پذیری این فضا محسوب می‌شوند. همچنین راسته بازار تاریخی با امتیاز $12/3$ در رتبه دوم قرار دارد که این وضعیت را می‌توان به تنوع فعالیت‌های اقتصادی، حضور دائمی شهروندان، مقیاس انسانی فضا و پویایی عملکردی آن نسبت داد.

در مقابل، میدان عالی‌قاپو با امتیاز $10/2$ در سطح متوسط ارزیابی شده است. اگرچه این میدان از ظرفیت تاریخی و مکانی قابل توجهی برخوردار است، اما کمبود فعالیت‌های اجتماعی، ضعف کیفیت برخی عناصر کالبدی و محدود بودن امکانات رفاهی، مانع از ایفای کامل نقش آن به‌عنوان یک فضای عمومی پویا شده است.

از سوی دیگر، فضاهای محله‌ای نظیر محله پیرعبدالملک، محدوده اطراف مسجد جامع، محله اوچ‌دکان و محله گازران-کوچه زندان امتیازهای پایین‌تری را کسب کرده‌اند. این تفاوت نشان می‌دهد که کاهش کیفیت محیطی، محدود بودن فعالیت‌های جمعی، فرسودگی کالبدی، ضعف خدمات شهری و کاهش حضورپذیری، موجب افت محسوس اجتماع‌پذیری در این محلات شده است. همچنین پارکینگ‌های تبدیل‌شده به فضای تجمع غیررسمی با امتیاز $2/3$ پایین‌ترین سطح اجتماع‌پذیری را دارند که بیانگر نبود طراحی مناسب، کمبود امکانات، ضعف امنیت و فقدان کارکرد اجتماعی مشخص در این فضاها است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی توزیع اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل نامتوازن است. تمرکز اصلی اجتماع‌پذیری در گره‌های تاریخی، مذهبی و تجاری مشاهده می‌شود، در حالی که بخش قابل توجهی از محلات مسکونی از این ظرفیت بی‌بهره مانده‌اند. این نتایج بیانگر آن است که ارتقای اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی نیازمند مداخلاتی فراتر از بهسازی کالبدی است و باید هم‌زمان بر تقویت فعالیت‌های اجتماعی، ارتقای کیفیت محیط، افزایش تنوع کاربری‌ها و حفاظت از ارزش‌های هویتی و فرهنگی تأکید شود.

9- نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی در بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل انجام شد. نتایج حاصل از برر سی‌های میدانی، تحلیل‌های آماری و ارزیابی فضاهای عمومی نشان داد که اجتماع‌پذیری یک ویژگی تک‌بعدی و صرفاً وابسته به کیفیت کالبدی محیط نیست، بلکه حاصل تعامل میان سه دسته عامل کالبدی-فضایی، فعالیتی و

ادراکی-معنایی است. بر این اساس، کیفیت یک فضای عمومی زمانی می‌تواند به شکل‌گیری حیات اجتماعی پایدار منجر شود که میان قابلیت‌های محیطی، فرصت‌های فعالیتی و معانی اجتماعی نهفته در مکان ارتباط متقابل برقرار باشد. نتایج همچنین نشان داد که ضعف در ابعاد کالبدی، فعالیتی و محیطی از مهم‌ترین عوامل محدودکننده اجتماع‌پذیری در محدوده مورد مطالعه هستند. کمبود فضاهای مکث و نشستن، کیفیت نامناسب برخی عناصر مبلمان شهری، ضعف خوانایی و پیوستگی فضایی، محدود بودن تنوع فعالیت‌ها و کاهش کیفیت محیطی، موجب شده است بسیاری از فضاهای عمومی بافت تاریخی بیشتر نقش مسیر عبوری داشته باشند تا عرصه‌ای برای حضور و تعامل اجتماعی. این یافته با دیدگاه‌های جیکوبز، گل، وایت و کارمونا همخوان است که موفقیت فضاهای عمومی را وابسته به حضور مردم، امکان توقف، تنوع فعالیت‌ها و کیفیت تجربه روزمره کاربران می‌دانند.

مقایسه فضاهای مختلف در محدوده مورد مطالعه نیز نشان داد که الگوی توزیع اجتماع‌پذیری در بافت تاریخی اردبیل یک‌سان نیست. فضاهایی مانند محوطه بقعه شیخ صفی‌الدین و راسته بازار تاریخی به دلیل برخورداری هم‌زمان از هویت تاریخی، فعالیت‌های متنوع، حضور مستمر کاربران و نقش عملکردی گسترده، سطح بالاتری از اجتماع‌پذیری را تجربه می‌کنند. در مقابل، فضاهای محله‌ای فرسوده و عرصه‌های فاقد عملکرد مشخص، به دلیل کاهش کیفیت محیطی، محدودیت فعالیت‌های جمعی و کاهش حضور‌پذیری، از ظرفیت اجتماعی پایین‌تری برخوردارند. این تفاوت نشان می‌دهد که اجتماع‌پذیری در بافت‌های تاریخی نه در تمام نقاط به‌صورت یکنواخت، بلکه در پیوند با ویژگی‌های فضایی، عملکردی و اجتماعی هر مکان شکل می‌گیرد. بر مبنای یافته‌های پژوهش، حفاظت از ارزش‌های تاریخی و هویتی باید به‌عنوان نقطه آغاز فرآیند ارتقای اجتماع‌پذیری در نظر گرفته شود، اما این اقدام به‌تنهایی کافی نیست. بازآفرینی موفق فضاهای عمومی بافت تاریخی اردبیل نیازمند رویکردی یکپارچه است که در آن، بهبود کیفیت محیطی، افزایش پیاده‌مداری، ارتقای امنیت و آسایش، ایجاد فرصت‌های مکث، تقویت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و حمایت از حضور ساکنان بومی به‌صورت هم‌زمان دنبال شود.

در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آینده فضاهای عمومی تاریخی نه صرفاً در حفاظت کالبدی از عناصر ارزشمند، بلکه در توانایی این فضاها برای تداوم زندگی اجتماعی و ایجاد فرصت‌های جدید برای تعامل شهروندان نهفته است. بنابراین، برنامه‌های بازآفرینی بافت تاریخی-فرهنگی اردبیل باید از رویکرد حفاظت صرف عبور کرده و به سمت ایجاد فضاهایی حرکت کنند که ضمن حفظ هویت تاریخی، پاسخگوی نیازهای اجتماعی و الگوهای زندگی معاصر نیز باشند. این رویکرد می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، تقویت سرمایه اجتماعی و بازگشت نقش تاریخی این محدوده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زندگی جمعی شهر اردبیل را فراهم سازد.

9- منابع

- امیری، پ، 1384، در جستجوی هویت شهری اردبیل، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران
- بهزاد فر، مصطفی طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲) شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیر گذار بر تعاملات اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر شماره بیست و پنج
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲)؛ از کمیت تا کیفیت شرکت عمران شهرهای جدید چاپ اول، تهران
- پاکزاد، جهان‌شاه؛ 1391. "راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران"، انتشارات طرح و نشر پیام سیما، چاپ ششم، تهران؛
- جهان زمین، یوسف (۱۳۹۵) احیاء و حفظ هویت محله‌های تاریخی و نقش آن در توسعه پایدار شهری نمونه موردی محلات ششگانه شهر اردبیل رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافتهای ۱۹-۲۹ تاریخی به راهنمایی محمد مسعود و علی غفاری دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان
- حافظی فر، مریم (۱۳۸۹) طراحی شهری با رویکرد ساخت فضای شهری اجتماع پذیر نمونه موردی محله ارمنستان اردبیل (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه هنر اصفهان
- حبیبی، ک؛ بهزادفر، م؛ مشکینی، ا. "ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی ارتقای کیفی فضای شهر کهن ایرانی" فصلنامه مطالعاتی شهر ایرانی اسلامی، 1390، دوره 1، ش چهارم، 15-28
- دانش، ج و طیبی، ا، "کیفیت حضور در میادین شهری باتاکید بر نمونه‌های سنتی ایران". فصلنامه مطالعاتی شهر ایرانی اسلامی، 1390، دوره 1، ش 4، 71-80
- رضازاده اردبیلی، مجتبی و، پیغامی لایلا (۱۳۸۸) رهیافتی حاصل از شناخت شهر سنتی به منظور ارائه الگوی مداخله در بافت مطالعه موردی (اردبیل) نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی تابستان، ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۳۸، صص ۸۴-73
- رضایی نیا حسن (۱۳۹۷) تبیین سازوکارهای تولید اجتماعی فضاهای عمومی در شهر، تهران رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی، شهری به راهنمایی احمد پوراحمد و کرامت الله، زیاری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران
- رفیعیان خدائی (۱۳۸۸) بررسی شاخصها و معیارهای مؤثر بر رضایت مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، فصلنامه راهبرد ۵۳ ۲۴۸-۲۲۷
- زبیدی رضا (۱۳۸۹) چهارچوب استراتژیک مدیریت بصری بافتهای تاریخی نمونه موردی بافت تاریخی شهر اردبیل پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی، شهری به راهنمایی محمد سعید، ایزدی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
- سمیع پور، فاطمه (۱۳۹۳) فاکتورهای کالبدی مؤثر بر اجتماع پذیری فضاهای عمومی اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری عمران، گردشگری انرژی و محیط زیست شهری و روستایی، مرداد ۹۳
- صفری، ب، 1370، اردبیل در گذرگاه تاریخ؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل
- کارمونا، م؛ (1388): "مکانهای عمومی، فضاهای شهری" قرایی، فریبا و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول، تهران؛
- Albrechts, L., Stevens, Q., & others. (2023).
- armona, M. (2021). *Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. rd Edition. London: Routledge.
- Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T., & Oc, T. (2021). *Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. London: Routledge.
- Exploring Associations Between Social Interaction and Urban Park Attributes: Design Guideline for Both Overall and Separate Park Quality Enhancement. (2024). Cities, 145.
- Gehl, J. (2011). *Life Between Buildings: Using Public Space*. Washington, DC: Island Press.
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design, 3*(1), 93-116.
- Project for Public Spaces (PPS). (2018). *What Makes a Successful Place?*. New York: Project for Public Spaces.
- Project for Public Spaces (PPS). (2023). Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the Relationship between Urban Public Space and Social Cohesion: A Systematic Review. International Journal of Community Well-Being, 7(2), 155-212
- The Application of Space Syntax to Enhance Sociability in Public Urban Spaces: A Systematic Review. (2024). ISPRS International Journal of Geo-Information, 13(7), 227.

Evaluation and Explanation of the Factors Affecting Sociability in Urban Public Spaces: A Case Study of the Historic-Cultural Fabric of Ardabil, Iran

Pouya Hajisattari¹, Dariush Sattarzadeh², Lida Balilan Asl³

1-Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Email: Hs_pouya@yahoo.com

2- Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Email: Sattarzadeh@iau.ac.ir

3- Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Email :Balilan@iau.ac.ir

Abstract

Urban public spaces, as arenas for social interaction, play a crucial role in strengthening social bonds, improving quality of life, and sustaining collective urban life. Despite the importance of these spaces, many historical urban fabrics in Iranian cities have experienced a decline in their capacity to facilitate everyday social interactions due to physical transformations, changes in activity patterns, and reduced social presence. Therefore, identifying the factors influencing the sociability of public spaces can provide a basis for improving environmental quality and enhancing the sociability of historical urban fabrics. This study aims to explain the factors affecting the sociability of public spaces within the historical-cultural fabric of Ardabil. The research is applied in terms of its purpose and descriptive-analytical in terms of its methodology. The required data were collected through library research, questionnaires, and systematic field observations. The statistical population consisted of users of public spaces within the historical-cultural area of Ardabil, from which 384 respondents were selected based on Cochran's formula. In addition, patterns of users' presence, activities, and social interactions were observed over a four-week period at different times of the day. Data were analyzed using descriptive statistics, Pearson's correlation test, linear regression, and factor analysis. The findings indicate that the overall level of sociability in the studied public spaces is below the desirable level. Among the examined dimensions, the perceptual-semantic dimension demonstrated the most favorable condition, highlighting the significant role of historical identity, collective memory, and sense of belonging in sustaining social relationships. In contrast, environmental, physical-spatial, and activity-related dimensions revealed weaknesses in urban furniture quality, opportunities for staying and lingering, diversity of activities, and environmental conditions. Therefore, enhancing the sociability of public spaces in Ardabil's historical fabric requires an integrated urban regeneration approach that simultaneously addresses spatial quality improvement, strengthening of social and cultural activities, enhancement of comfort and security, and preservation of the place's identity values. The findings can provide an analytical framework for urban planners and designers seeking to improve the quality of public spaces in historical urban fabrics.

Keywords: Sociability, Urban Public Spaces, Historical-Cultural Fabric, Ardabil

Introduction

Public spaces are essential components of urban life, providing settings for social interaction, collective activities, informal encounters, and the development of sense of belonging. In historical-cultural fabrics, their importance extends beyond physical and functional aspects, as they also preserve collective memory, historical identity, and cultural meanings. Sociability refers to the capacity of public spaces to attract users, encourage interaction, support diverse activities, and provide opportunities for staying and social encounters. However, historical significance alone does not ensure sociability, as physical deterioration, automobile dominance, changing land uses, inadequate amenities, environmental problems, and reduced residential presence may weaken social life. The historical-cultural fabric of Ardabil, including Sheikh Safi al-Din Shrine, the historical bazaar, Ali-Qapu Square, and traditional neighborhoods, illustrates these challenges. This study therefore evaluates sociability, examines spatial differences, identifies its underlying dimensions, and determines the most influential factors through questionnaires and systematic field observations, considering sociability as a multidimensional phenomenon shaped by physical, activity-related, environmental, social, and perceptual-semantic factors.

Methodology

The present study employed an applied, descriptive-analytical approach to assess the sociability of public spaces within the historical-cultural fabric of Ardabil and identify the main factors affecting social interaction. Data were collected through a structured questionnaire and systematic field observations. The statistical population consisted of users and citizens present in the study area, with 384 questionnaires collected and analyzed. The questionnaire examined five dimensions: physical-spatial, activity-related, perceptual-semantic, environmental, and social factors. Field observations were conducted over a four-week period at three daily time intervals: 08:00–11:00, 14:00–17:00, and 20:00–23:00. Nine representative public spaces, including Sheikh Safi al-Din Shrine, the historical bazaar, Ali-Qapu Square, traditional neighborhoods, Imam Khomeini Street, and residual spaces, were evaluated. An observational checklist assessed sociability on a 0–20 scale. Data analysis included descriptive statistics, Exploratory Factor Analysis using principal components and Varimax rotation, and multiple linear regression to identify and prioritize the main factors influencing sociability.

Discussion

The findings indicate that sociability in the historical-cultural fabric of Ardabil is a multidimensional phenomenon shaped by physical-spatial, activity-related, environmental, social, and perceptual-semantic factors. Although the area possesses considerable historical, religious, and cultural resources, these values have not been fully transformed into contemporary social vitality. The relatively favorable performance of the perceptual-semantic dimension confirms that historical identity, collective memory, and sense of place remain important strengths of the area. However, weaknesses in physical-spatial, activity-related, and environmental conditions limit the ability of these values to generate sustained social interaction. Spatial assessment further demonstrates that public spaces combining historical identity, continuous activity, accessibility, and diverse users generally achieve higher levels of sociability. The Sheikh Safi al-Din Shrine and historical bazaar illustrate this pattern, whereas deteriorated neighborhoods and residual spaces show lower sociability.

due to inadequate security, accessibility, environmental comfort, and activity opportunities. Regression analysis identifies security and protection as the strongest predictor of sociability, followed by pedestrian accessibility, opportunities for sitting and staying, and sense of place and historical identity. Behavioral observations support these findings, as 48% of users were merely passing through, while only 5% engaged in prolonged social interaction. Therefore, regeneration should move beyond physical conservation and integrate heritage preservation, security enhancement, pedestrian accessibility, environmental improvement, public amenities, diverse activities, and opportunities for social interaction.

Conclusion

This study examined the status and determinants of sociability in public spaces within the historical-cultural fabric of Ardabil. The findings demonstrate that sociability is a multidimensional phenomenon shaped by the interaction of physical-spatial, activity-related, environmental, social, and perceptual-semantic factors. The overall sociability score of 2.68 out of 5 indicates a relatively low and undesirable level of social performance. Although historical identity, collective memory, and sense of place remain important strengths, weaknesses in environmental quality, pedestrian accessibility, physical conditions, and opportunities for sitting, and activity diversity limit sustained social interaction. Spatial analysis revealed significant differences among public spaces. The Sheikh Safi al-Din Shrine and historical bazaar showed higher sociability, whereas deteriorated neighborhood areas and residual spaces performed considerably worse. Exploratory factor analysis identified five major factors explaining 63.60% of total variance: security and protection, pedestrian accessibility and permeability, sense of place and historical identity, opportunities for sitting and staying, and diversity of daily and seasonal activities. Regression analysis showed that security and protection was the strongest predictor ($\beta=0.320$), followed by pedestrian accessibility ($\beta=0.280$), opportunities for sitting ($\beta=0.220$), and sense of place ($\beta=0.180$). Behavioral observations confirmed these findings, with 48% of users passing through without stopping. Therefore, regeneration should integrate heritage conservation with improved security, pedestrian accessibility, public amenities, social activities, and opportunities for interaction to transform historical spaces into active and socially sustainable urban environments.